

تأثیر انقلاب عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران

بهجت یزدخواستی^۱

حسن موحدیان^۲

چکیده: بازتاب اجتماعی انقلاب عاشورا در قرن ۲۱ همچنان پویاست. چنانچه انقلاب اسلامی ایران که بیشتر از ۳۰ سال عمر ندارد، سهمی از عاشورا و عاشوراییان را در خود جا داده است. در این مقاله پرسش اساسی این است که کدام یک از عوامل انقلاب عاشورا در انقلاب اسلامی سهم داشته و امام خمینی چگونه از آن در به ثمر رساندن انقلاب استفاده کرده است؟ روش تحقیق ما توصیفی و کتابخانه‌ای است که با تکیه بر عامل مذهب (اسلام شیعه)، ریشه‌های انقلاب را در فرهنگ عاشورا جستجو می‌کند. پیروزی انقلاب و پویا ساختن شیعه از عاشورا نهضت امام حسین^(ع) الگو برداری و تأثیر پذیری دارد. امام خمینی با استفاده از بتانسیل عاشورا و با توجه به قدرت جذب، الهام، سازماندهی و شور آفرینی کربلا و عزاداری‌های ایام محرم، روح شهادت‌خواهی را در مردم بیدار کرد و راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا بود که در آخرین سال حکومت رژیم پهلوی ضربه نهایی را بر آن زد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب عاشورا، انقلاب اسلامی، نظریه مذهب، محرم، عزاداری.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران همان‌گونه که از نام آن بر می‌آید ریشه‌ای اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های دینی و مذهبی دارد. انقلاب در سال ۱۳۴۲ هم زمان با ماه محرم آغاز گردید و امام خمینی با بهره‌گیری از فضای معنوی محرم، مردم مسلمان ایران را برای رویارویی با اقدامات ضد مذهبی رژیم پهلوی به صحنه مبارزات کشاند. به ویژه آنکه در جریان مبارزات، جنایات رژیم با وقایع کربلا و مصایبی که به اهل بیت (علیهم السلام) رفته بود، تطبیق داده می‌شود.

۱. عضو هیأت علمی گروه اجتماعی دانشگاه اصفهان
e-mail: b.yazdkhasti@ltr.ui.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی
e-mail: hmovahedyan@yahoo.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۱۹ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۲۹ مورد تأیید قرار گرفت.

در پی حوادث سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ که با رجعت حاج آقا مصطفی خمینی آغاز گردید و در ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید، رژیم پهلوی در سرایشی سقوط قرار گرفت و آخرین ضربه‌ها به پیکر آن توسط مردم و به رهبری حضرت امام در ماه محرم سال ۱۳۵۷ وارد آمد. تظاهرات تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ در ۱۹ و ۲۰ آذر ماه و نیز تظاهرات اربعین آن سال، نویدبخش فجر انقلاب اسلامی و طلوع نظامی مبتنی بر اسلام بود (خلیلی ۱۳۸۸: ۱۱).

در این مقاله سعی شده میزان تأثیرپذیری قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی از نهضت امام حسین^(ع) از زمان شروع قیام ۱۵ خرداد ۴۲ تا بهمن ۵۷ بررسی شود. هدف از انتخاب این موضوع آشنایی بیش‌تر با کلام و اندیشه امام خمینی و تأثیر قیام عاشورا در افکار و آرمان‌های ایشان می‌باشد که در انقلاب متجلی شده است. اینکه چگونه امام از فرهنگ متعالی عاشورا در به ثمر رساندن نهال انقلاب استفاده کرد. به تعبیر امام خمینی:

اگر قیام حضرت سیدالشهدا - سلام‌الله علیه - نبود امروز هم ما نمی‌توانستیم

پیروز بشویم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۵۵).

واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن قیام عالمی بقیه الله -

ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطع انقلاب ساز است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج

۱۶: ۲۹۰).

ابتدا برخی از نظریه‌ها و فرضیه‌هایی که در تبیین انقلاب اسلامی ایران کاربرد دارند، مطرح و با تأکید بر نقش مذهب، به بررسی آرای اندیشمندانی که معتقد به نقش این عامل در وقوع انقلاب اسلامی ایران هستند، پرداخته شده سپس انگیزه‌های قیام عاشورا و سرمشق‌گیری امام خمینی از این قیام و تبلور آن در اندیشه‌های ایشان و روند انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است.

نظریه‌های انقلاب اسلامی

درباره انقلاب نظریات متفاوت و گاه متضادی بیان شده است و نویسندگان زیادی به کالبد شکافی انقلاب‌ها پرداخته‌اند. پیرامون انقلاب اسلامی ایران نیز کتاب‌های زیادی نوشته شده است، نویسندگان - اعم از خودی و بیگانه - نظریه‌های متفاوتی درباره چرایی و چگونگی رخداد آن بیان نموده‌اند. ما در این پژوهش نظریه‌هایی را که در تبیین انقلاب اسلامی ایران کاربرد دارد،

مطرح می‌کنیم. برخی از نظریه‌ها و فرضیه‌هایی که دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران مطرح است، عبارتند از: فرضیهٔ توطئه، نظریهٔ اقتصاد، نظریهٔ مدرنیزاسیون، نظریهٔ استبداد، نظریهٔ مذهب.

(۱) فرضیهٔ توطئه

فرضیهٔ توطئه بر این باور است که انقلاب اسلامی در حقیقت یک توطئه از قبل طرح‌ریزی شده توسط قدرت‌های خارجی برای ساقط نمودن شاه بود. شخص شاه، اعضای خانواده سلطنتی و بیش‌تر مقامات ارشد رژیم پیشین، در حد توان تلاش نموده‌اند که این فرضیه را علت اصلی سرنگونی خود قلمداد نمایند. برخی از احتمالاتی که طرفداران این فرضیه مطرح کرده‌اند:

۱- عده‌ای بر این باورند که غرب می‌خواست شاه را به سبب نقش کلیدی در افزایش قیمت نفت اوپک در نیمه اول دهه ۱۳۵۰ مجازات کند.

۲- تعدادی دیگر، انگیزهٔ غرب برای سقوط شاه را در توان نظامی ایران و هراس غرب از طرح‌های بلندپروازانهٔ شاه جستجو می‌کنند (شیخی ۱۳۸۲: ۶۵-۶۴).

(۲) نظریهٔ اقتصاد

طبق این نظریه افزایش شدید و ناگهانی بهای نفت، منابع سرشار مالی جدیدی در اوایل دهه ۵۰ در اختیار ایران قرار داد. شاه دست به اقدامات شتاب‌زده‌ای برای توسعه اقتصادی زد که موجب بهبود وضع معیشتی مردم شد. اما این وضع با پایین آمدن بهای نفت و کاهش درآمدها در آغاز نیمه دوم دهه ۵۰ آثار منفی خود را به صورت تنگناهای اقتصادی، تورم، نارسایی در ارائهٔ خدمات اساسی و... نشان داد که رژیم را مجبور کرد برنامهٔ ضد تورمی را به اجرا بگذارد. این اقدام باعث ازدیاد ناگهانی بیکاری به خصوص در میان طبقات غیر متخصص و نیمه متخصص گردید که یک حالت کلاسیک قبل از انقلاب را به وجود آورد و این نابسامانی‌های اقتصادی را علت انقلاب می‌دانند.

(۳) نظریهٔ مدرنیزاسیون

طبق این نظریه رژیم با شتاب دست به انجام یک رشته اصلاحات مدرن زد و سعی کرد چهرهٔ ایران را به سرعت دگرگون و پیشرفته سازد. اما به دلیل سریع بودن اصلاحات و عدم هماهنگی با توسعهٔ فرهنگی و اجتماعی و بافت سنتی جامعه، بسیاری از مردم پذیرای این اصلاحات نبودند.

بدین جهت اقشار مردم به تدریج دچار بحران هویت شدند. با افزایش شکاف میان مردم و شاه این بحران تبدیل به تضاد و رویارویی سیاسی و مذهبی گردید و سرانجام اسباب تغییر رژیم را فراهم کرد (دهقان ۱۳۷۶: ۴۰).

۴) نظریه استبداد

طرفداران این نظریه بر این باور هستند که علی رغم ظهور نمادهای توسعه و پیشرفت‌های اقتصادی در ایران، ساختار سیاسی قدرت دگرگون نشده و چندان با سلطنت مستبدانه ناصرالدین شاه و رضاخان تفاوت نداشت. انقلاب اسلامی حرکتی برای زیر و رو کردن آن ساختار کهن و در انداختن طرحی نو در راستای توسعه سیاسی بود. براساس این دیدگاه، آغاز انقلاب اسلامی را باید در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جستجو کرد. بنابراین مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی، آزادی و استقرار مردم سالاری بوده است. مردم ایران انقلاب کردند تا شیوه فرمانبری مطلق را از میان بردارند و به انسانی آزاد بدل شوند. صادق زیبا کلام و همایون کاتوزیان، نبود آزادی‌های سیاسی و مدنی و شیوه توزیع قدرت سیاسی را که گونه‌ای از شکل‌گیری آن، استبداد می‌باشد عامل ایجاد انقلاب اسلامی ایران می‌دانند (ایزدی اودلو ۱۳۸۲).

۵) نظریه مذهب

گروه دیگری از صاحب نظران «مذهب» را عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی می‌دانند. مثلاً در تعلیل انقلاب به این باورند که:

اگر ما به جستجوی علل و عواملی که خارج از ماهیت انقلاب اسلامی و آرمان‌ها و ریشه‌های تاریخی آن است، پردازیم، تنها عاملی که به عنوان علت اصلی و عامل اول می‌توان از جریان انقلاب، از تولد تا پیروزی آن استنباط نمود، اعمال سیاست اسلام‌زدایی توسط شاه بود که ادامه رژیم خود را به منظور هر چه بیش‌تر جلب نمودن حمایت خارجی، و تحکیم هر چه عمیق‌تر سلطنت و دیکتاتوری در داخل کشور را در گرو آن می‌دید (عمید زنجانی ۱۳۷۷: ۳۴۰).

... علت اصلی و اساسی قیام مردم این بود که شاه نسبت به نابودی ارزش‌های مسلط جامعه آنها که از مذهب و آیین آنها سرچشمه گرفته بود

قیام کرده و به همین دلیل بود که با جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی امت مسلمان ایران، دیگر مجالی برای صبر و تحمل و شکیبایی در مقابل سایر ناملایمات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود نداشت (محمدی، ۱۳۶۵: ۸۸).

تأکید نظریه پردازان بر نقش مذهب در انقلاب اسلامی ایران و میزان تأثیر آن

| میزان تأثیر | آرا و نظریه ها | نظریه پردازان |
|-------------|---|------------------|
| کم | امام خمینی اسلام مردم گرایی ارائه کرد که برای گروه‌های مختلف اجتماعی جاذبه داشت و کلام مذهبی او در میان گروه‌های حاشیه‌ای شهری و روستایی نفوذ می‌کرد. | جان فوران |
| بسیار زیاد | تشیع، رهبری امام خمینی به عنوان تجسم یک امت و طرح اسلام به عنوان یک ایدئولوژی را به عنوان ریشه‌های انقلاب ایران مطرح می‌کند. | حامد الگار |
| بسیار زیاد | مطالعه انقلاب ایران باید با توجه به عنصر ایدئولوژی نقش اوپوزسیون اسلامی، مشروعیت و خصوصاً رهبری صورت گیرد. | آصف حسین |
| بسیار زیاد | تنها عاملی که به عنوان علت اصلی و عامل اول می‌توان از جریان انقلاب، استنباط نمود اعمال سیاست اسلام زدایی توسط شاه است. | آیت الله زنجانی |
| بسیار زیاد | علت اصلی و اساسی قیام مردم این بود که شاه نسبت به نابودی ارزش‌های مسلط جامعه آنها که از مذهب و آیین آنها سرچشمه گرفته بود قیام کرده، احساسات مذهبی جریحه‌دار شده است. | منوچهر محمدی |
| زیاد | ریشه انقلاب ایران را باید در عوامل فرهنگی و به ویژه نقش رهبری مذهبی آن جستجو کرد. | کپل |
| زیاد | مستقیماً به نقش ایدئولوژی اسلامی در انقلاب توجه می‌کند. | منصور معدل |
| کم | اسلام شیعه هم از نقطه نظر سازمانی و هم از لحاظ فرهنگی برای ایجاد انقلاب ایران علیه شاه نقش حیاتی را به عهده داشت و وجود یک ایدئولوژی ریشه‌دار در جامعه تشیع. | تدا اسکاچپول |
| بسیار زیاد | علت سقوط رژیم شاه را باید بیش از هر چیز در جدایی آن از اسلام و عدم توجه به شعار دینی از یک سو و قدرت روحانیون در بسیج مردم بر مبنای شعارهای اسلامی از سوی دیگر جستجو کرد. | علی دوانی |
| کم | توجه به ساختار مرجعیت تشیع را ضروری می‌داند و بیشتر به نقش ارزشها در انقلاب می‌پردازد. | سعید امیر ارجمند |
| بسیار زیاد | در مرحله پیروزی انقلاب عامل اصلی مذهب (فرهنگ و تاریخ شیعه) می‌باشد و نقش مردم و رهبری را نیز باید در مذهب جستجو کرد. | محمد صدقی |
| زیاد | در تحلیل و بررسی عوامل انقلاب اسلامی ایران از «معنویت‌گرایی سیاسی» نام می‌برد. | میشل فوکو |
| بسیار زیاد | بر جامعیت اسلام تأکید می‌کند و راز موفقیت نهضت را در تکیه به عامل معنویت و اسلامی کردن محتوای مادی و سیاسی می‌داند. | استاد مطهری |
| بسیار زیاد | شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است، از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است و اینها موجب شده مردم ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند. | امام خمینی |

واقعه عاشورا

عاشورا نه یک حادثه که یک فرهنگ است. فرهنگی برخاسته از متن اسلام ناب که نقش حیاتی را در استحکام ریشه‌ها، رویش شاخه‌ها و رشد بار و برهای آن ایفا کرده است. عاشورا هیچ گاه در محدوده زمان و جغرافیای خاصی محصور نمانده است، بلکه همواره الهام بخش تشیع در راستای حرکت‌ها، جنبش‌ها و قیام‌های راستین شیعه — پل بسیاری از نهضت‌های دیگر — در برابر کانون‌های ظلم و کفر و نفاق بوده است. قیام عاشورا از سال ۶۱ هجری تا امروز همچون چشمه‌ای جوشان و خروشان از آب زلال و گوارای خود تشنگان معرفت و حقیقت را سیراب کرده، و الهام‌بخش بسیاری از نهضت‌های حقّ علیه باطل بوده است. انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی از عاشورای حسینی الهام گرفت.

روز دهم محرم روز شهادت سالار شهیدان و فرزندان و اصحاب او در کربلاست. عاشورا در تاریخ جاهلیت عرب از روزهای عید رسمی و ملی بوده و در آن روزگار، در چنین روزی روزه می‌گرفتند. در اسلام، با تشریح روزه رمضان آن روزه نسخ شد. گفته‌اند: علت نامگذاری روز دهم محرم به عاشورا آن است که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز، مورد تکریم الهی قرار گرفته‌اند (شریف القرشی ۱۳۹۶ ج ۳: ۱۷۹).

در فرهنگ شیعی به خاطر واقعه شهادت امام حسین^(ع) در این روز، عظیم‌ترین روز سوگواری و ماتم به حساب می‌آید که بزرگ‌ترین فاجعه و ستم در مورد خاندان پیامبر^(ص) انجام گرفته و دشمنان اسلام و اهل بیت این روز را خجسته شمرده به شادی می‌پرداختند، اما پیروان خاندان رسالت به سوگ و عزا می‌نشینند و بر کشتگان این روز می‌گریند (محدثی ۱۳۷۴: ۲۷۶). امامان شیعه، یاد این روز را زنده می‌داشتند، مجلس بر پا می‌کردند، بر حسین بن علی^(ع) می‌گریستند، آن حضرت را زیارت می‌کردند و به زیارت او تشویق و امر می‌کردند و روز اندوهشان بود. از جمله آداب این روز، ترک لذتها، ترک امور دنیوی، پرداختن به سوگواری و گریه، تا ظهر چیزی نخوردن و نیاشامیدن، چیزی برای خانه ذخیره نکردن، حالت صاحبان عزا و ماتم داشتن و... است (قمی ج ۲: ۱۹۶).

در دوران سلطه امویان و عباسیان، شرایط اجتماعی اجازه مراسم رسمی و گسترده در سوگ ابا عبدالله الحسین را نمی‌داد، اما هر جا که شیعیان، قدرت و فرصتی یافته‌اند سوگواری پرشور و دامنه‌داری در ایام عاشورا به راه انداخته‌اند. در تاریخ است که معزالدوله دیلمی اهل بغداد را به

برگزاری مراسم سوگ و نوحه برای سیدالشهدا^(ع) و ادار ساخت و دستور داد که بازارها را ببندند و کارها را تعطیل کنند و هیچ طبّاحی غذایی نیزد و زنان سیاه‌پوش بیرون آیند و به عزاداری و نوحه پردازند. این کار را چندین سال ادامه داد و اهل سنت نتوانستند جلوی آن را بگیرند، چون که حکومت، شیعی بود (قمی ج ۲: ۱۹۶).

از قرن‌ها پیش، عاشورا به عنوان تجلی روز درگیری حق و باطل و روز فداکاری و جانبازی در راه دین و عقیده، شناخته شده است. حسین بن علی^(ع) در این روز با یارانی اندک ولی با ایمان و صلابت و عزتی بزرگ و شکوهمند با سپاه سنگدل و بی‌دین حکومت ستم یزیدی به مقابله برخاست و کربلا را به صحنه همیشه زنده عشق خدایی و آزادگی و حریت مبدل ساخت. عاشورا اگر چه یک روز بود، اما دامنه تأثیر آن تا ابدیت کشیده شد و چنان در عمق وجدانها و دلها اثر گذاشته که همه ساله دهه محرم و به ویژه عاشورا، اوج عشق و اخلاص نسبت به معلم حریت و اسوه جهاد و شهادت، حسین بن علی^(ع) می‌گردد و همه حتی غیرشیعه در مقابل عظمت روح آن آزاد مردان تعظیم می‌کنند (محدثی ۱۳۷۴: ۲۷۷). عاشورا، نشان دهنده معنای «حسین منی و أنا من حسین» بود که دین رسول خدا با خون سیدالشهدا^(ع) آبیاری و احیا شد. به تعبیر امام خمینی:

عاشورا قیام عدالتخواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۴۵).
اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می‌خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر تاریک بت پرستی که به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را بر چیند و با صراحت و اعلام «لا خیر جاء ولا وحی نزل» بنیاد حکومت الهی را برکنند، نمی‌دانستیم بر سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می‌آمد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۴۰۶).

امام حسین^(ع) که به دعوت اهل کوفه از مکه عازم این شهر بود تا به شیعیان انقلابی بپیوندد و رهبری آنان را به عهده گیرد، پیش از رسیدن به کوفه، در کربلا به محاصره نیروهای ابن زیاد درآمد و چون حاضر نشد ذلت تسلیم و بیعت با حکومت غاصب و ظالم یزیدی را بپذیرد، سپاه کوفه با او جنگیدند. حسین و یارانش روز عاشورا، لب تشنه، با رشادتی شگفت تا آخرین نفر جنگیدند و به شهادت رسیدند و بازماندگان این قافله نور، به اسارت نیروهای ظلمت در آمده به

کوفه برده شدند. هفتاد و دو تن یاران شهید او، بزرگ‌ترین حماسه بشری را آفریدند و یاد خویش را در دل تاریخ و وجدان بشرهای فضیلت‌خواه، ابدی ساختند (محدثی ۱۳۷۴: ۲۷۸).

علل و اهداف قیام عاشورا

در تفسیر حادثه کربلا و بررسی علل و عوامل آن باید به سراغ کلمات و سخنان معمار اصلی آن یعنی امام حسین^(ع) برویم تا مشخص شود این بزرگوار خود چگونه نهضتش را ترسیم می‌کند. آنچه از این سخنان بر می‌آید این است که علت قیام امام حسین^(ع)، مقابله با سلطان جائر، زیر پا نهادن عدالت، سلطنت یزید به نام اسلام، وارونه جلوه دادن اسلام و ... است. آنجا که می‌فرمایند:

ای مردم همانا پیامبر خدا^(ص) گفت هر کس سلطان ظالمی را ببیند که حرام خدا را حلال داشته، عهد الهی را نقض کرده، مخالف سنت پیامبر^(ص) است، با بندگان با جور و ستم عمل می‌کند، و آن شخص بیننده به وسیله گفتار و کردار آن را تغییر ندهد. بر خداوند حق است که او را به دوزخ افکند...
(قاضی زاهدی ۱۳۸۵: ۶۵).

از دیگر اهداف امام براندازی حکومت فاسد اموی و اصلاح امت پیامبر^(ص) و قیام علیه ظالم و بر پایی حکومت عدل و از بین بردن حکومت جور بود. امام می‌فرماید:

اگر من با یزید بیعت کنم فاتحه اسلام خوانده شده زیرا امت دچار یک حاکم پست و زبونی مثل یزید شده و چه مصیبتی بالاتر از این که امت مسلمان به سرپرستی چون یزید دچار شود. من از جدم رسول خدا^(ص) شنیدم که می‌فرمود: خلافت بر فرزندان ابی سفیان حرام است. و درباره شایستگی خود فرمود: ما اهل بیت پیامبر^(ص) از این مدعیان دروغین و عاملان جور و ستم به امر خلافت شایسته‌تریم (قاضی زاهدی ۱۳۸۵: ۶۳).

از دیگر اهداف قیام عاشورا اصلاح جامعه اسلامی و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است؛ چنانچه امام حسین^(ع) می‌فرماید:

من از روی خودخواهی و تمایلات نفس و خوش‌گذرانی و یا فساد و ستمگری قیام نکرده بلکه هدف من اصلاح امت جدم می‌باشد، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره و روش جد و پدرم عمل کنم (قاضی زاهدی ۱۳۸۵: ۶۴).

حال سؤال این است که فرهنگ عاشورا از چه طریق انسجام و همبستگی را در مردم ایران ایجاد کرد که امام خمینی^(ره) با استفاده از آن توانست رهبری قیام را در دست گیرد و در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی برساند؟

در ادامه به بررسی برخی نقاط مشترک این دو نهضت می‌پردازیم:

۱) معرفی باطل و رسوا کردن چهره نفاق

یکی از آثار فرهنگی قیام عاشورا، معرفی باطل و رسوا کردن چهره نفاق بود. همان‌طور که واقعه کربلا چهره واقعی حکومت دروغین معاویه و یزید را برای مردم روشن کرد، امام خمینی نیز با افشاگری خود در سخنرانی‌ها چهره زشت و ننگین حکومت شاه را که تا آن زمان با عوام فریبی مردم را فریب می‌داد به مردم نشان داد و مردم دانستند که بدبختی‌های ملت از کجا سرچشمه می‌گیرد. در واقع، قیام عاشورا چراغ هدایتی در اختیار امام قرار داد تا بتواند در پرتو آن اسلام ناب را بشناسد و آن را از دست ناهلان نجات دهد.

۲) احیای روحیه شهادت طلبی

از الفبای برجسته نهضت عاشورا و از روحيات والای حسین بن علی^(ع) و یارانش عنصر «شهادت طلبی» بود؛ یعنی مرگ در راه خدا را «إحدى الحسنيين» دانستن و دریچه‌ای برای وصول به قرب خدا و بهشت برین دیدن. از این رو شیفتگی و بی‌صبوری برای درک فضیلت شهادت (محدثی ۱۳۷۴: ۲۶۱) حسین را شهادت شناسانید، یزید را، شهادت شناسانید و یزیدیان را از حسینیان جدا ساخت و دین را معرفی کرد، در شهادت حسین^(ع) رازی نهفته است که در پیروزی نهفته نیست (صدر ۱۳۷۹: ۹۶).

این موهبت را شیعه از حسین^(ع) و خون سرخش دارد که راه جاودانگی را به بشر آموخت. امام نیز به تأثیر از قیام عاشورا گفت: «مرگ سرخ به مراتب بهتر از زندگی سیاه است. و ما امروز به انتظار شهادت نشسته‌ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۴۰۸). به برکت این خون‌ها بود که انقلاب آبیاری شد و به برکت احیای روحیه شهادت طلبی شجاعانه به جنگ با ظلم و فساد رفت تا اینکه در سال ۱۳۵۷ این نهال به بار نشست.

۳) عدالت طلبی

حرکت امام حسین^(ع) و قیام امام خمینی بر پایه عدالت بود. امام حسین^(ع) در پاسخ به نامه‌های سران کوفه نوشت: «... به جان خود سوگند می‌خورم امام کسی است که مطابق قرآن رفتار کند و عدالت را اجرا نماید و حق را بپاید و خدا را بر خود ناظر بدانند» (شهیدی ۱۳۸۱: ۱۱۶).

امام خمینی در سخنی مشابه این سخنان اظهار می‌دارد:

مگر خون ما رنگینتر از خون سیدالشهداست؟ ما چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم یا از اینکه جان می‌دهیم؟ آنها هم در ... سلطان جائری که می‌گفت مسلمانم، مسلمانی یزید هم مثل مسلمانی شاه بود؛ اگر بهتر نبود بدتر نبود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۱۵۲).

۴) بدعت زدایی

اسلام امام حسین^(ع) قیام کربلا، و در اسلام امام خمینی قیام پانزده خرداد رخ داد که با بدعت‌گذاری دینی به مخالفت برخاستند. امام حسین^(ع) در نامه‌ای به بزرگان بصره نوشت: «شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کنم همانا سنت مرده و بدعت زنده شده است» (محدثی ۱۳۷۷: ۴۴). امام خمینی نیز در این باره فرمود:

ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سر چشمه زلال اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - برسیم. و امروز غریبترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد. و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۶۰).

۵) افشاگری چهره دشمن

هر انقلابی یک بازو می‌خواهد و یک زبان: خون و پیام، عمل و تبلیغات. خطابه‌های زینب و سجاد - علیهما السلام - و سخنان بازماندگان کربلا در دوران اسارت، نقش مهمی در افشاگری چهره دشمن و خنثی کردن تبلیغات دروغین امویان و آگاهی مردم از ماهیت قیام و شخصیت سیدالشهدا و شهیدان عاشورا داشت و سبب شد امویان پرده بر جنایات خویش بکشند و آن حادثه را از یادها ببرند (محدثی ۱۳۷۴: ۱۸۶). واقعه عاشورا در ایران از جایگاه رفیعی برخوردار است و به صورت سنتی همیشه بزرگ داشته می‌شود. حضور دستجات سینه‌زنی و زنجیرزنی در دهه اول محرم نشان از اوج

و قرب این حادثه در نزد ما ایرانیان دارد. بنابراین اگر می‌شد جمعیت حاضر در این مراسم را علیه رژیم بسیج کرد، بدون شک خیلی کارساز می‌بود، به همین دلیل دکتر شریعتی و آیت الله مطهری دست به تهییج افکار و اذهان مردم در چارچوب بحث شهادت زدند (شیخی ۱۳۸۲: ۲۳۲). آنها تفسیری تازه از شهادت ارائه دادند که مبتنی بر «نبرد» بین حق و باطل بود و ماهیتی «انقلابی» داشت. از این منظر امام حسین^(ع) رهبری شجاع بود که، به منظور برپایی عدالت بر ضد «نابرابری‌ها» قیام کرد و در راه خدا به شهادت رسید.

شاه و اطرافیانش به یزید که در مقام شهادت امام حسین^(ع) برآمد تشبیه می‌شوند و مخالفان شاه با امام حسین^(ع) و جمع یاران وی که بی‌گناه و نکوکار بودند مقایسه می‌شوند (شیخی ۱۳۸۲: ۲۳۳). دکتر شریعتی در ذیل حادثه کربلا دکتر شریعتی نقش رشادت حضرت زینب^(س) و افشای چهره واقعی بنی‌امیه و حفظ و انتقال ارزش‌های واقعه کربلا را می‌ستود. این عمل باعث تحریک زنان و ورود آنان به صحنه انقلاب گردید. به همین خاطر است که در اغلب تظاهرات مردمی در طول انقلاب حضور چشم‌گیر زنان و نقش آنان در پیروزی انقلاب غیر قابل انکار می‌باشد (شیخی ۱۳۸۲: ۲۳۴).

۶) مشارکت زنان در جهاد

شرکت در جبهه پیکار و همدلی و همراهی با نهضت مردانه امام حسین^(ع) و مشارکت در ابعاد مختلف آن از جلوه‌های این حضور است: چه همکاری طوعه در کوفه با نهضت مسلم، چه همراهی همسران برخی از شهیدان کربلا، چه حتی اعتراض و انتقاد برخی همسران سپاه کوفه به جنایت‌های شوهرانشان مثل زن خولی. روحیه مقاومت و تحمل زنان به شهادت‌ها در کربلا که اوج این صبوری و پایداری در رفتار و روحیات زینب کبری^(س) جلوه‌گر بود (محدثی ۱۳۷۴: ۱۹۶).

در انقلاب اسلامی ایران نیز حضور زنان در جریان مبارزات مشخص است. همان‌طور که نیکی.آر. کدی اشاره می‌کند: گروه مهم دیگری که در انقلاب ایران مشارکت داشت با وجود آنکه میزان مشارکتشان به حسب طبقه وایدئولوژی خاص گروهی بعضاً متفاوت بود، طبقه بانوان بود (کدی ۱۳۷۵: ۴۱۹). با وجود آنکه مانند غرب، رهبری تظاهرات معمولاً در دست مردها بود، زن‌ها همواره نقش مهمی بازی می‌کردند. هنگامی که تهدید رژیم به اعمال خشونت بالا می‌گرفت، خانم‌های چادری با کمال شجاعت در صف جلوی تظاهرات حضور داشتند.

شرکت کنندگان در این قبیله مراسم می‌دانستند که حضور خانم‌ها در صف جلو، پلیس و رژیم را در وضعیت مشکلی قرار می‌دهد (کدی ۱۳۷۵: ۴۲۱).

۷) نقش مراسم عزاداری در انسجام و همبستگی مردم ایران

رمز جاودانگی نهضت حسینی احیا و زنده نگهداشتن و تعظیم شعائر بوده است. امام خمینی فرمود:
 الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها و با این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این سینه زنیها ما را حفظ کرده‌اند؛ تا حالا آورده‌اند اسلام را... هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش تویی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی‌شود... ما باید برای یک شهیدی که از دستان می‌رود، علم بیا کنیم، نوحه‌خوانی کنیم، گریه کنیم؛ فریاد کنیم...
 (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۵۲۷).

برپایی عزا برای سیدالشهدا^(ع) عامل تقویت حس عدالت‌خواهی و انتقام‌جویی از ستمگران و زمینه‌سازی برای تجمع نیروهای پیرو حسین^(ع) در خط دفاع از حق است. به تعبیر شهید مطهری:
 در شرایط خشن یزیدی در حزب حسینی‌ها شرکت کردن و تظاهر به گریه کردن بر شهدا نوعی اعلام وابسته بودن به گروه اهل حق و اعلان جنگ با گروه باطل و در حقیقت نوعی از خود گذشتگی است. اینجاست که عزاداری حسین بن علی^(ع) یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است (مطهری: ۷۵).

نیکی. آر. کدی می‌نویسد:

زمانی که شرایط جامعه بحرانی می‌شود و توجه مردم بیش‌تر به سمت مفاسد اجتماعی و بی‌عدالتی و ضرورت مبارزه با آنها جلب می‌شود این نمایشنامه‌ها و روضه‌خوانی‌ها بیشتر به صورت یک تربیون سیاسی به منظور بیان این قبیله مطالب در می‌آیند (کدی ۱۳۷۵: ۳۱۹).

فوکو نیز یکی از صحنه‌های نمایش قدرت مردم ایران را مراسم عزاداری سالار شهیدان امام حسین^(ع) می‌داند (فوکو ۱۳۷۷: ۵۳).

| مقوله‌ها | امر به معروف و نهی از منکر | ایشکار و فداکاری | بدعت‌ستیزی | تکلیف‌گرایی | جهاد |
|----------------|--|---|---|---|--|
| انقلاب عاشورا | می‌خواهم به معروف امر کنم و از منکر باز بدارم و در مسیر جدم و پدرم گام بردارم. | آگاه باشید که به همه شما اجازه رفتن دادم همه شما آزادید بدون اینکه هیچ بیعتی از من بر شما باشد، بروید. | شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کنم همانا سنت مرده و بدعت زنده شده است. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل اجتناب نمی‌گردد؟ پس در چنین وضعی باید مؤمن با مبارزه‌اش مشتاق دیدار خدا باشد. | در خواب، پیامبر خدا را دیدم به چیزی فرمان یافتم که در پی آن خواهم رفت به زیانم باشد یا به سودم. | من سزاوارترین کسی هستم که به یاری دین خدا برخیزم و شریعت مطهر او را عزیز بدارم و در راه او جهاد کنم تا کلام الهی برترین شود. |
| انقلاب اسلامی | مسا که تسایع سیدالشهدا هستیم باید بینیم ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامت، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود، من جمله قضیه حکومت جور باید از بین برود. | من مصمم هستم که از پا نشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم و یا در پیشگاه مقدس حق تعالی با عذر وفود کنم. اگر با کشته شدن من انقلاب به نتیجه کامل خود برسد چرا به چنین امری راضی نباشم. | ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام نواب محمدی برسیم و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من یکسری از قربانی‌های آن گردم. | همه ما مأمور به تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. | نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد [۱۳۴۲] در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی سازنده و کوبنده بود که مردانسی مجاهد و فداکار تحویل جامعه داد. |
| میزان معناداری | زیاد | بسیار زیاد | بسیار زیاد | زیاد | زیاد |

تحلیل تطبیقی نهضت امام حسین (انقلاب عاشورا) با امام خمینی (انقلاب اسلامی)

در این بخش با تحلیلی تاریخی میزان به کارگیری امام خمینی از فرهنگ مخفی عاشورا در جریان نهضت تا پیروزی آن را بررسی می‌کنیم. با مروری بر نقاط عطف و سرنوشت‌ساز در پیروزی انقلاب اسلامی مشخص می‌شود که نقطه آغازین آنها از ایام عزاداری امام حسین^(ع) و با الهام از آموزه‌های نهضت عاشورا بوده است.

نقاط عطف انقلاب اسلامی ایران

۱) تظاهرات دهم محرم ۱۳۸۳ و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

مراسم عزاداری محرم سال ۱۳۸۳ ق. با پیام رهبر نهضت که بر هر چه با شکوه‌تر برگزار شدن آن تأکید می‌نمود به تبیین قیام حسین زمان در برابر یزید تاجدار تبدیل شد و شهرستان‌های قم، تهران، مشهد و دیگر شهرها صحنه تظاهرات انبوه و ابراز خشم و نفرت مردم گردید و مردم علی‌رغم تهدیدات مکرر رژیم به خیابان‌ها آمدند و با شعار «خمینی بت‌شکن»، «خمینی تو فرزند حسینی» مراسم سیاسی خود را به مجلس عزاداری امام حسین^(ع) متصل کردند و سخنرانی امام در عصر عاشورا در میان جمعیت بی‌سابقه‌ای که به قم آمده بودند، نقطه عطفی در تاریخ نهضت اسلامی ایران محسوب می‌شود، که امام هدف نهضت را مبارزه با شاه و اسرائیل و حفظ اسلام از خطر ناشی از آن اعلام کرد (عمید زنجانی ۱۳۷۷: ۲۲۸-۲۲۷). ثمره این سخنرانی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به بار نشست و هزاران زن و مرد با فریاد «یا مرگ یا خمینی» با تاسی به مکتب جهاد و انقلاب امام حسین^(ع) به شهادت رسیدند و نهال نوپای نهضت را با خون خود آبیاری کردند. امام در مورد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ فرمود:

ملت عظیم الشان در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۲۹۰).

در جای دیگر می‌فرماید:

رمز پیروزی اسلام بر کفر جهانی را در این قرن که پانزدهم خرداد ۴۲ سرآغاز آن بود، در دوازدهم محرم حسینی جستجو کند که انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۸۲).

۲) هفدهم شهریور

۱۷ شهریور نیز یکی از مقاطع مهم انقلاب بود که تحت تأثیر عاشورا و فرهنگ آن شکل گرفت: «۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۴۵).

۳) اربعین سال ۱۳۵۶

در فرهنگ عاشورا، اربعین به چهلمین روز شهادت حسین بن علی^(ع) گفته می‌شود که مصادف با روز بیستم ماه صفر است، از سنت‌های مردمی گرامی‌داشت چهلم درگذشتگان است که به یاد عزیز فوت شده خویشتن خیرات و صدقات می‌دهند و مجلس یاد بود عاشورای حسینی برپا می‌کنند. تکریم این روز و احیای خاطره غمبار عاشورا رمز تداوم شور عاشورایی در زمان‌های بعد بوده است. در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نیز سنت احیای اربعین تأثیر مهمی در شورگستری در شهرها داشت و در چهلم شهدای حادثه قم (در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۵۶) مردم مسلمان تبریز قیام کردند و شهید دادند. در اربعین شهدای تبریز، شهرهای دیگر مجالس یاد بود گرفته تظاهرات کردند و همین گونه اربعین‌ها به هم وصل شد و سراسر ایران به نهضت پیوست تا آنکه انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید (محدثی ۱۳۷۴: ۴۲-۴۱). همان‌طور که نیکی.آر. کدی می‌گوید: مراسمی که بنا به سنت مذهبی هر چهل روز یک بار برگزار می‌شد، نمونه‌ای درخشان از استفاده سیاسی از سنت‌های شیعی بود. اگر می‌خواست جلوی برگزاری این مراسم را که به تبع حوادث قبلی تاریخ و روز آن معین بود، بگیرد قطعاً با تظاهرات بسیار عظیم‌تری مواجه می‌شد. مردم - بدون آنکه نیازی به بحث در مورد زمان و مکان گردهمایی باشد - به طور خود به خود دور هم جمع می‌شدند و از احساسات لحظه‌ای و یا شعائر مذهبی آنها برای تشدید مخالفت با رژیم بهره‌برداری می‌شد (کدی ۱۳۷۵: ۴۱۵-۴۱۴).

۴) تظاهرات عاشورای ۱۳۵۷

یکی از فرازهای مهم و سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی، تظاهرات و راهپیمایی تاریخی مردم در عاشورای ۱۳۵۷ است. با آغاز محرم، امام خمینی با صدور پیامی که برخاسته از ماهیت و فلسفه قیام عاشورا بود، مردم را به راهپیمایی در این روز بزرگ دعوت کردند (ولایتی ۱۳۸۶: ۱۶۱). در پیام

یازدهم محرم ۱۳۹۹ امام که با درود به ملت شجاع و فداکار ایران آغاز می‌شد، راهپیمایی‌های بزرگ سراسر ایران در روزهای تاسوعا و عاشورا به عنوان تجدید عهد با سید مظلومان و امام فداکاران مورد تجلیل قرار گرفت (عمید زنجانی ۱۳۷۷: ۲۹۱).

۵) اعلامیه تاریخی امام خمینی در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷

سرتیپ رحیمی، فرماندار نظامی تهران، که در حال و هوای بازگشت شاه به سر می‌برد، روز بیست و یکم بهمن اعلام حکومت نظامی کرد و بنا بر اظهارات رئیس پلیس تهران، وی در فکر کودتا و راه‌اندازی حمام خون بوده، و شب بیست و دوم بهمن را برای اجرای این توطئه شوم انتخاب کرده بود. امام بی‌درنگ طی اعلامیه‌ای حکومت نظامی را خدعه و خلاف شرع اعلام نمود، و از مردم خواست که به مقررات منع عبور و مرور توجه نکنند (عمید زنجانی ۱۳۷۷: ۳۰۲). صدور این اعلامیه عملاً نوعی حماسه عاشورایی محسوب می‌شد. مردم تحت تأثیر اعلامیه و فرمان حسین زمان خویش به خیابان‌ها ریخته و توطئه‌های رژیم را درهم شکستند. امام راحل در این زمینه می‌فرماید:

اگر قیام حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز بشویم. تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۵۵).

نتیجه‌گیری

آنچه بدان پرداخته شد، نشان داد از شروع نهضت تا پیروزی انقلاب، در هر لحظه و گام، سخن از شهید و شهادت و امام حسین^(ع) و پیروزی خون بر شمشیر بوده است: چه در شعارها و سخنرانی‌ها و چه در اعلامیه‌ها به ویژه در سخنان و اعلامیه‌های امام خمینی به عنوان سکان دار و رهبر این نهضت.

اگر تاریخ دقیق انقلاب و نهضت ما را از سال ۴۲ و مخصوصاً یکی دو سال آخر آن بنویسند و مجموع شعارها و حرکت‌ها و مراکزی که از آنجا حرکت کردیم و مردمی که حرکت کردند و کشته دادند، تمام این موارد واقع‌نگاری شود، به خوبی احساس خواهیم کرد که چگونه بیش از همه حادثه کربلا سرمشق و راهگشا و الهام‌بخش ما به سوی پیروزی بوده است (باهنر ۱۳۷۱: ۷۰).

اگر ما بخواهیم مملکتان یک مملکت مستقلی باشد، یک مملکت آزادی باشد، باید این رمز/قضیه سیدالشهداء/را حفظ بکنیم... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۹۷) اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنتها را حفظ کنید... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۳۳۱) عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۳۳۳).

امام امت، با الهام از عاشورا، روح حماسه و غیرت دینی را در مردم دمید، به حکومت اسلامی و حاکمیت ارزش‌های قرآنی فراخواند و مفسد رژیم طاغوت را بر شمرد. مردم، مبارزات خود را بر ضد یزید زمانه می‌دانستند و از تبیین مفسد معاویه، یزید، ابن زیاد و ... ذهن‌ها به مفسد و مظالم طاغوتیان منتقل می‌شد. مجالس محرم، منبرها، وعظها، نوحه‌ها رنگ و حال و هوای سیاسی و انقلابی گرفت. حتی شعارهای مردم در راهپیمایی ضد طاغوتی، پیوند انقلاب و عاشورا را می‌رساند (رهبر ما خمینی، نهضت ما حسینیه). عاشورا محور بسیج مردم شورگستری بر ضد طاغوت شد. عنصر شهادت به مبارزه مردم جان و روح بخشید. خانواده‌ها شهدای خود را به فرمان حسین زمان و محشور با شهدای کربلا می‌دانستند. امام امت، در سخنرانی‌هایش و نیز در مصاحبه‌ها، مشروعیت حکومت شاه را زیر سؤال برد و خواستار تشکیل حکومت اسلامی بود. آن‌گونه که سیدالشهدا^(ع) نیز با امتناع از بیعت، خلافت یزید را نامشروع و غاصبانه دانست. نگرش سیاسی به حادثه کربلا و درس آموزی از قیام عاشورا، سرلوحه دعوت امام خمینی و همفکران او بود و اعلام اینکه همه جا کربلا و هر روز عاشورا است، تأکیدی بر این برداشت بود. قتل عام ۱۵ خرداد، گرچه به ظاهر سرکوب نهضت امام بود، اما خونهای شهدا و افشاگری‌ها و مبارزات بعدی، اذهان را برای یک انقلاب آماده ساخت. عاشورای حسینی هم در ظاهر، با شهادت امام و یارانش به پایان رسید، ولی همان حادثه، بذر تحرک‌ها و بیدادگری‌های عظیمی را افشانده و به بار نشست. امام امت، با توجه به قدرت جذب، الهام، سازماندهی و شورآفرینی کربلا و عزاداری‌های ایام محرم و دسته‌های عزاداری، این سنت دیرین را به شدت، حمایت کرد. همچنان که خطابه امام خمینی در ۱۵ خرداد (۱۲ محرم) آغاز این نهضت بود، راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا نیز در آخرین سال حکومت رژیم پهلوی، ضربه نهایی را بر آن زد. به فرموده مقام معظم رهبری: حرکت امام خمینی در محرم ۱۳۴۲ و همچنین محرم ۱۳۵۷ که به حادثه تاریخی پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد، نتیجه پیروی از درس عاشورا بود که این مسیر با عزت در آینده هم ادامه خواهد داشت.

منابع

- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، ۲۲ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ و نشر عروج)، چاپ چهارم.
- ایزدی اودلو، عظیم. (۱۳۸۲) «بررسی کوتاه نظریه‌های مختلف در باب انقلاب اسلامی ایران»، نشریه *همشهری*.
- باهنر، محمد جواد. (۱۳۷۱) *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلیلی، منصور. (۱۳۸۸) *محرم ۱۳۵۷ به روایت اسناد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقان، حمید. (۱۳۷۶) *پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی*، قم: مؤسسه انتشارات مدین.
- شریف القرشی، باقر. (۱۳۹۶ ق) *حیات الامام الحسین بن علی (ع)*، قم: دارالکتب العلمیه.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۱) *قیام حسین (ع)*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سی‌ام.
- شیخی، الیاس. (۱۳۸۲) *رهیافتی نو در تبیین چرایی انقلاب اسلامی*، اصفهان: دادیار.
- صدر، سید رضا. (۱۳۷۹) *پیشوای شهیدان*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۷) *گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: کتاب طویی.
- فوکو، میشل (۱۳۷۷) *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند*، ترجمه حسین معصومی، تهران: نشر هرمس، چاپ دوم.
- قاضی زاهدی، احمد (۱۳۸۵) *پرسش و پاسخ پیرامون قیام امام حسین (ع)*، قم: نشر حاذق.
- قمی، محدث. *سقیه البحار*، تهران: فراهانی.
- کدی، نیکی. (۱۳۷۵) *ریشه‌های انقلاب اسلامی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- محدثی، جواد. (۱۳۷۴) *فرهنگ عاشورا*، قم: نشر معروف.
- _____ . (۱۳۷۷) *پیامهای عاشورا*، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۶۵) *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی. *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، قم: انتشارات صدرا.
- ولایتی، علی اکبر و جلیل عرفان‌منش و دیگران (۱۳۸۶) *تاریخ معاصر ایران - ۲۵۳/۲ سال سوم آموزش متوسطه*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، چاپ دوم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.